

متن پرسش

سلام حاج آقا: خدا به من امانت داد این نفس و این حیات رو. من از عمد و از روی نادانی این نفس را به ابتذال کشاندم تا جایی که سگ بزرگ و اژدهای وحشتناکی را به آن راه دادم و آن را توجیه کردم و به این امانت خیانت کردم و ایامی را به خیانت گذراندم. تا جایی که نفسم به صورتی شد که خودم هم باورم نمی شود چطور اینقد پست شد که توانست خیانت کند به این امانت الهی. حالم از خودم بد می شود و کم آوردم و خداوند باید من را حفظ کند ... اصلا حال خودم را مناسب ریزش رحمت الهی نمی دانم که از او رحمت و بخشش بخواهم. گناه، من را از خدا دور کرد و زندگیم را بی معنی کرد... نفهمیدم چگونه راه می روم و چگونه سخن می گویم و ظلم کردم. خیانت روی خیانت. خیانت به روح الهی که در من دمیده بود. چه کنم که این اژدها را بیرون کنم درحالی که با این شخصیتی که از خود ساختم امکان ندارد که بیرون رود... چه کنم خدا. خاک به سر شدم حاج آقا. زحمات انبیاء و مؤمنین را به باد دادم. شخصیتم را این گونه ساختم و یک گناه نیست که از آن توبه کنم. هیچ راهی برای خودم نمی بینم و اینقدر ظلمات روی ظلمات است که نمی توانم به پس فردا خوشبین باشم چون شخصیت خود را ضایع کردم. زحمات شما را نیز بر باد دادم. گریه های شبانه تان را به باد دادم. همه چیز را ضایع کردم. توبه برایم معنی نمی دهد. بخشش الهی برایم معنی نمی دهد. چون خودم می دانم چه کردم تازه این یک هزارم واقعیتی است که نمی بینم. چه کنم واقعا که این شخصیت دگرگون شود. هیچ امیدی ندارم و می دانم هیچ کاری نمی شود کرد چون اراده ی درست و حسابی از این شخصیت مبتذل من صادر نمی شود. باز آمدم زحمت شما را بدهم بلکه جمله ای بگویید که اثری کند. اینهایی که نوشتم ناظر به باطن است نه اینکه گناه فعلی انجام داده باشم ولی این باطن، در ظاهر هم ظهور دارد. حالم خیلی بد است از شخصیتم. یا علی.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: از نظر به خوبی‌های دیگران و انگیزه‌های قدسی افراد غفلت نکنید و به افرادی که خوبی را تنها منتسب به خود می‌کنند و موجب انشقاق بین مؤمنین می‌گردند، حذر نمایید. این‌طور نیست که بعضی‌ها در جامعه‌ی اسلامی، خوبِ خوب و بعضی‌ها بدِ بد باشند. نظر به سنت‌های تکوینی جاری در عالم داشته باشید و بدانید گناهان به هر شکلی که باشد میهمان‌های ناخوانده‌اند و در فطرت جای ندارند. موفق باشید